



اقتصاد خانواده چیست ؟

پدیدآورنده (ها) : وحیدی، حسین

- ۷۵۳۱ حسابداری :: نشریه حسابرس :: دوره قدیم، دی ۰۱

۱۵۳ از ۹۳ شماره

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۸۰۰۷۲۴> تا

ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

اقتصاد خانواده چیست؟

اقتصاد سه گونه است: اقتصاد در سطح کلی کشوری که اصطلاحاً بان اقتصاد کلان گویند و سائلی چون برنامه ریزی و سرمایه گذاری و توسعه و رشد و عمران کشور را دربر میگیرد. اقتصاد واحدهای خصوصی که آنرا اقتصاد خرد گویند و مسائل مربوط به مسائل درآمد و هزینه و معاش و زندگی اقتصادی خانوادهها میشود. از سه نوع اقتصاد مذکور درباره دو نوع اول در کشور بحث و گفتگو بسیار است و بطور کلی دروس دانشکده های اقتصاد و اقدامات سازمان های اقتصادی مربوط به این دو نوع اقتصاد است. اما اقتصاد خانواده که شاید از نظر اهمیت دست کمی از دو نوع اول نداشته باشد اصلاً در کشور ما مطرح نیست و آنچه که نه خانوادهها و نه مقام های مسئول بفکر آن هستند همین نوع اقتصاد است و حال آنکه پایه اساسی اقتصاد هر کشور بر اقتصاد خانواده نهاده شده است و تا خانوادهها ندانند مطابق اصول اقتصادی زندگی کنند فعالیت در زمینه دو نوع اقتصاد

دیگر هم چنانکه باید به موفقیت مورد نظر نخواهد رسید. و اما چگونگی اقتصاد خانواده در ایران، که در مقام مقایسه با اقتصاد خانواده در اروپا میتوان گفت که واقعاً خیلی از کارهای خانواده های ما در زمینه اقتصاد کودکان سه چهار ساله و عروسک بازی آنها و اگر جسارت نباشد به کارهای اشخاص سفیه و کم عقل و بی عقل، شبیه است. برای روشن شدن مطلب دو خانواده ایرانی و اروپائی را با هم مقایسه می کنیم که البته منظور ما دو خانواده متوسط است با طبقه ثروتمند کاری نداریم، زیرا زندگی طبقه ثروتمندی که در هر کشور نسبت به طبقه متوسط در اقلیت است نمی تواند سلاک قضاوت و سنجش قرار گیرد. فرض کنیم دو خانواده ایرانی و اروپائی هر یک دارای شش هزار تومان درآمد باشند. اول وضع مسکن آن دو را با هم می سنجیم خانواده اروپایی در یک آپارتمان سه اتاقه زندگی می کند. در آشپزخانه اش یک میز و چند صندلی نهاده که خوراکش را در آنجا می خورد یک اتاق برای خواب است و یک اتاق برای

بچه ها و یک اتاق هم برای نشستن دارد، خرت و پرت هایش را هم در یک اتاق کوچک صندوقخانه مانند جا داده است. اروپائی وقتی مهمان دارد اگر عده مهمان ها کم و یا خصوصی باشد در همان اتاق خودش و اگر زیاد باشد در یک رستوران از آنها پذیرائی میکند. حداکثر اجاره که خانواده اروپائی بابت آپارتمانش میدهد. هزار تومان است. و اما خانواده ایرانی، خانه خانواده ایرانی دست کم شش اتاق دارد که دو اتاق روبه آفتاب بزرگ و خوب آن اتاق مهمان خانه نام دارد که یکی برای نشستن مهمان است و دیگری برای غذا خوردن او. این دو اتاق اکثراً در تمام سال بسته و کلید شده است و فقط شب ها اجنه و شیاطین در آن رفت و آمد می کنند! آقا و بچه ها از ترس خانم جرئت ورود باین دو اتاق را ندارند، در اتاق سالی چند بار برای پذیرائی از عمه خانم، خاله خانم باز می شود که البته اگر تابستان باشد پذیرائی در حیاط انجام می شود و اتاق اجنه و شیاطین همچنان در سراسر تابستان بسته

می ماند. چهار اطاق دیگری که می ماند خواه ناخواه بی آفتاب و تنگ و تاریک عقب اطاق مهمانخانه است که یکی اطاق ناهارخوری است دیگری اطاق نشیمن و یکی اطاق بچه ها و یک اطاق مخصوص نوکر و کلفت. حداقل اجاره این خانه ۳۰۰ تومان است که اگر بخواهیم اجاره را به نسبت اطاق ها تقسیم کنیم نصف آن سال همان دو اطاق بزرگ آفتابرویی مهمانخانه یا با اصطلاح امروزها « سالن سالنانه » می شود که باین ترتیب خانواده اروپائی ۱۰۰ تومان بابت دو اطاق مهمانخانه و ۲۰۰ تومان هم بابت اختلاف اجاره جمعاً ۳۰۰ تومان از خانواده ایرانی جلو می افتد.

بعد از مسکن می رسیم به لوازم. خانواده اروپای اطاق مهمانخانه بصورتی که ما داریم ندارد و بنا بر این نیازی هم به خرید وسایل اطاق مهمانخانه ندارد. ولی خانواده ایرانی، معمولاً در خانه های ما بهترین فرش ها بهترین سرویس های کارد و چنگال و فنجان و بشقاب و لوستر و چلچراغ و پرده و میز و سرویس غذاخوری و انواع و اقسام و مسائل دیگر مخصوص مهمانان است که البته این وسایل در اطاق مهمانی محسوس است که باز هم فقط اجنه و شیاطین از آنها استفاده می کنند! شب ها بر روی سیلها

و فرش ها می غلتند و در بهترین بشقاب ها و با بهترین کارد و چنگال ها غذا می خورند و به ریش صاحبخانه بدبخت که سفته فرش هایش واخوست شده و قسط میل ها و ظرف ها و میزها عقب مانده می خندند!

از این وسائل، صاحبخانه بدبخت کوچکترین حق استفاده را ندارد. خودش باید روی زمین غذا بخورد ولی میز ناهارخوری آخرین مدل در سراسر سال بجز سه چهار مرتبه خالی باشد. خودش باید از کارد زنگ زده و بشقاب ترکیده استفاده کند ولی بشقابها و کاردها ترو تمیز و دست نخورده در اطاق مهمانخانه محفوظ بماند خودش روی گلیم و فرش پاره بخوابد ولی روی فرش اطاق مهمانخانه پا نکذارد! همه این چیزها متعلق به عمه خانم و خاله خانم و باجنات و زن بردار است که سالی یکبار بیایند و با قدم خود اطاق مهمانخانه را مزین کنند و ظرف ها را برای چند ساعتی از زندان انتظار بیرون بیاورند! حداقل پولی که در ایران برای خرید وسائل اطاق مهمانخانه مصرف می شود دیگر از می هزار تومان کمتر نیست که باز این پول را هم خانواده اروپائی از خانواده ایرانی جلو است. خانواده اروپائی اگر اسباب خانه خوب میخرد خودش از آن استفاده می کند ولی خانواده ایرانی اثاثه خوب را فقط برای مهمان می خواهد!

البته ما ایرانی ها مهمان دوست هستیم و بطور کلی رفت و آمد و علائق خانوادگی ما به جز اروپائی ها است. مهمان قدمش روی چشم بیاید، ولی بشرط اینکه صاحبخانه بدبخت هم در غیاب مهمان بتواند از وسائل متعلق و خاص او استفاده کند! مسلماً ناهار و شامش را روی همان میز بخصوص او بخورد و یا روی فرش مخصوص او گام بگذارد و روی میل مخصوص او بنشیند! عیب کار اینجاست

بقیه کار برد ...

حرکت سنجی ممکن است در افزایش روحیه کارگران زمانی که اوقات تلف شده زیاد میباشد و یا احساس محرومیت در کارگران وجود دارد مؤثر افتد. تیلر حرکت سنجی را برای کامل کردن زمان سنجی به کاربرد زیرا دریافت زمان سنجی نمیتواند مورد استفاده قرار گیرد مگر اینکه حرکات فیزیکی کارگران و سایر شرائط کار در ابتدای امر استاندارد شوند، علاقه تیلر به همین دلیل به حرکت سنجی افزایش یافت، او تصمیم گرفت استانداردهای لازم را برای انجام امور مختلف بنیاد گذارد، برای تیلر مفهوم حرکت سنجی و زمان سنجی برقرار کردن استانداردهای روزانه و یا ساعتی در تولید اجرا بود. بقیه در شماره بعد

که نه تنها ورود به دو اطاق بزرگ و آفتاب‌رو و درجه یک خانه برای اهل خانه دراپران ممنوع است استفاده از وسائل مهمان هم ممنوعیت شدید دارد! اگر نزول سی‌چهل هزار تومان پول اسباب‌اثاثیه مهمانخانه را بطور متوسط ۵۰۰ تومان حساب کنیم با ۲۰۰۰ تومان سابق می‌شود ۲۵۰۰ تومان بعد می‌رسیم به کلفت و نوکر که خانواده‌های اروپائی کمتر کلفت و نوکر دارند. با تقسیم

بقیه حسابرسی ملی

حسابرسی ملی که مورد نظر اکثر مردم و نمایندگان آسان می‌باشد امری ضروری است، همانطور که در آمریکا برای رسیدگی به مسئله واترگیت این رسیدگی توسط حسابرسان خبره آمریکا انجام شد.

خوب است در کشور ما هم برای رسیدگی به اعمال انجام شده مدیران و افرادی که به وسیله‌ای با مسائل مالی سرو کار داشته‌اند انجام گیرد چه بسا پس از این رسیدگی افراد خاطی (در صورت وجود داشتن) مشخص گردد و وجوه بیت‌المال که در اثر نادرستی آنان به مصرفهای بیهوده رسیده اقدام به وصول گردد و درسی باشد برای مسئولین و مدیران که در این مملکت حساب و کتاب هست و همینطور حسابرس با تقوی که به این گونه فعالیت‌ها رسیدگی خواهد کرد.

کار بین زن و شوهر و یا تسهیلاتی که برای زندگی در اروپا فراهم شده اصولاً نیازی به کلفت و نوکر نیست. اگر حقوق کلفت یا نوکر را ۴۰۰۰ ریال و خوراک او را هم چهار هزار ریال و یا نزول یک اطاق مخصوص او را هم ۲۰۰۰ ریال حساب کنیم خانواده اروپائی باز بابت کلفت و نوکر ۱۰۰۰ ریال از خانواده ایرانی جلو است که تا اینجا می‌شود ۳۵۰۰ تومان. بعد می‌رسیم به تشریفات مثلاً خرج عروسی که اگر یک خانواده اروپائی با یک شام و یک مجلس رقص عروسی را تمام میکند خانواده ایرانی بابت عقدکنان و عروسی و جهیزیه و زهرلفظی و مهریه و در اطاقی و داماد سلام و پاتختی و شیربها و چشم‌روشنی و مزدگانی! و دهها و صدها تشریفات دیگر دست کم باید پنجاه هزار تومان به‌غلتد که اگر این پول را در بورس سهم می‌خرید و یا مثلاً در حساب پس‌انداز می‌گذاشت که به آن بهره‌ای هم تعلق بگیرد در حدود هزار تومان عایدش می‌شد که با هزینه‌های دیگر ۴۵۰۰ تومان، این تشریفات قدیمی به جای خودش محفوظ بماند بختانه یک مقدار تشریفات هم مثل جشن تولد و «گودبای پارتی» و .. از اروپا به ایران آمده که قوز بالا قوز شده است. سخن از تشریفات شد، باید گفت حتی مرگ در ایران نیز پرخرج است. وقتی در

خانواده‌ای کسی می‌میرد غم مرگ عزیز از دست رفته یک طرف، فکر خرج‌های کلان در پیش از طرف دیگر بازماندگان را می‌آزارد. حتی من دیده‌ام بعضی اشخاص گور خود را قبلاً پیش‌خرید می‌کنند و من اسنادی را دیده‌ام که در آن نوشته شده است. «آقای ... مبلغ ... ریال بابت خرید یکدستگاه ... گور به صندوق رسید اسیدواریم سالیان دراز خالی بماند.» که در همین خرید و فروش گور در کشور ما منبع درآمد عده‌ای از زندان اهل بخیه است! اگر هزینه‌های این تشریفات و هزینه‌های دیگر رویهم ۲۵۰ تومان حساب کنیم در خانواده ایرانی و اروپائی که هر دو شش هزار تومان درآمد داشته باشد خانواده ایرانی ۵۰۰۰ تومانش را بابت هزینه‌هایی که گفتیم دور می‌ریزد. مطلبی که گفتیم هرگز سبالغه و گراف نیست قلم و کاغذ بردارید و مباحثه‌ای از زندگی خود بگیرید تا ببینید چه مقدار از هزینه‌ای که دارید واقعاً به مصرف خود شما میرسد و چه مقدارش دور ریخته می‌شود.

لا بد سؤال می‌کنید پس اروپائی با پولش چه می‌کند و ایرانی با کمی درآمدش چه؟ که پاسخش این است که اروپائی در درجه اول پولش را صرف خوراک می‌کند. اروپائی خوب می‌خورد و جسم و روحش را

سالم نگاه میدارد، اروپائی به عکس ما که خوراک فقط پیرایمان جنبه پرکردن معده را دارد خوراک را عامل اساسی زندگی و تندرستی تلقی می‌کند و بر خلاف ما که فقط برای مهمانان شلتاق می‌کنیم و خرج سه‌ماهه خوراک معمولی خودمان را در یک شب مهمانی بیاد میدهیم همیشه خودش مهمان خودش است و از خودش پذیرائی مهمان‌واری می‌کند.

موضوع پذیرائی را گفتیم.

مطلبی یاد آمد، یکی از آشنایان من از پس دینه بود زنتش سال دوازده ماه باوکوری می‌دهد و آشن و آبگوشت به نافتش می‌بندد و به عکس وقتی مهمان می‌آید هفت رنگ پلو برایش درست میکند طاقتش طاق می‌شود و یک روز به زنتش خیر می‌دهد که روز جمعه مهمان دارد. زنتش طبق معمول از همان دقیقه سراسیمه بیای می‌خیزد و سرخ و سما را بار می‌گذارد و روز جمعه سفره هفت رنگ را می‌چیند، ولی هر قدر انتظار میکشد از مهمان خبری نمی‌شود نسا شوهرش از در وارد می‌شود و پکراست می‌رود سر سفره مینشیند و شروع میکند با اشتهای تمام خوردن و وقتی زنتش باو اعتراض میکند که این چه بساطی است و پس مهمان‌ها کجا هستند؟ پاسخ می‌دهد: آخر بی‌انصاف بگذار من بدبخت در زندگیم یکبار هم که شده خودم مزه

غذای مخصوص مهمان را بچشم!

اروپائی بعد از خوراک تفریح میکند. چند ساعتی از وقت روزش و روزهای تعطیلی را حتماً بخوبی تفریح میکند و

بقیه بررسی کانون...

اصولی اعضاء و افراد متخصص و شاغل در حرفه حسابداری و حسابرسی را برآورده نمایند.

برای اجرای منظور فوق جامعه حسابداران و حسابران مستقل ایران در اول آبان‌ماه تأسیس و مقدمات قانونی آن در حال تدوین است تا در چهار چوب ضوابط علمی و حرفه‌ای خدمتگذار جامعه باشد اقدامات اصولی برای احقاق حق حرفه‌ای علمی آنان را پی‌گیری نماید.

البته اساتید انجمن در آینده برای علاقمندان درج میشود و شرایط عضویت را مشخص خواهیم نمود و کارنامه کانون حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خیره ایران را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

از اعضاء انجمن و کانون و سایر متخصصین می‌خواهیم اطلاعات خود را در اختیار نشریه بگذارند و مطمئن باشند بدون هیچ گونه حکم و اصلاحی در یگانه نشریه مستقل حرفه‌ای چاپ خواهد شد و اولین ناسه‌ای که برای ما رسیده در این شماره بدقت شما میرسد.

سالی حداقل یکماه هم بسه مسافرت می‌رود که باز از این چیزها در زندگی خانواده‌ای ما خبیری نیست، همه‌اش زحمت برای خرید فرش و دادن قسط مبلمان و میز اطاق مهمانخانه و تهیه پول برای مهمان و عروسی و خرید جهیزیه و در اطاقی. اروپائی اگر پس انداز پیدا کرد بجای اینکه آنها صرف چنین چیزهایی کند به بورس می‌رود و سهم می‌خرد و در منافع فلان کمپانی بزرگ شریک میشود.

این بودگوشه‌ای از مقایسه زندگی خانواده‌ها در ایران و اروپا که همانطوریکه دیدیم تفاوت از زمین تا آسمان است و درحالیکه اروپائی واقعا برای خودش زندگی میکند و میداند که چه کار میکند، ایرانی زندگی خودش را زیر پامی‌گذارد و بی‌خاطر یک مشت تشریفات بیهوده و بوسیده که دیگر نهی‌چوجه با شرایط اقتصاد اسروزی سازگار نیست درآمد و پول و زندگی را به باد می‌دهد.

واما مسئله مهم چرا ایرانی چنین است؟ چرا ایرانی خانه بزرگتر از نیاز خود می‌سازد؟ چرا ماشین می‌خرد که داشتن آن در اروپا باعث تمسخر مردم است؟ چرا بخش مهم درآمدش را در اطاق مهمانخانه میریزد؟ چرا زندگی‌اش را با دست خودش بیاد می‌دهد و سعی میکند با سیلی صورتش را سرخ نگاه دارد؟ این پرسش‌ها و پرسشهای

دیگر یک مسئله مهم روانی را مطرح می‌سازد که زیر عنوان «ارزش‌های دروغی و ارزش‌های حقیقی» در بخش گذشته درباره آن بحث کردم.

در پایان لازم است به یک اعتراض که اگر یک خانواده ایرانی که شش هزار تومان حقوق دارد هزار تومان آن را به دور می‌ریزد پس چگونه با هزار تومان گذران میکند پاسخ بدهم. ایرانی برای گذران زندگی اول از خوراکش میکاهد و بعد ساعتی را که باید تفریح و استراحت کند کار میکند و بعد از اینها هم درآمد آینده‌اش را پیش‌خور میکند وقتی ماوایی

پانزده ساله می‌گیریم و یا کالائی را به اقساط پنج‌ساله می‌خریم معنی‌اش اینست که درآمد پنج‌سال و پانزده سال آینده را پیش‌خور می‌کنیم. و تا پانزده سال باید کوزی بکشیم و نخوریم و جان بکنیم و قسط بدهیم! برای که وجه، برای خرید وسایل ولوازی که شرح قسمتی از آنها را دارم و خود شما در جریانش بوده و هستید و خواهید بود.

در مورد کاستن از خوراک این نکته را بگویم که بنا به نظر کارشناسان تغذیه امروز مردم ما بعلت خرید کالاهای قسطی کاملاً مختل شده است و مردم ما خیلی کمتر از آنچه که لازم است

کالری به بدن خود می‌رسانند که باز به نظر کارشناسان تغذیه یک مقدار سستی و کم‌کاری و ناراحتی‌ها عصبی و روانی مردم ما ناشی از همین کمبود کالری در بدن آنهاست. باین ترتیب گرانی کالاها از یکطرف و ناهنجار بودن اقتصاد خانواده از طرف دیگر زندگی خانواده‌ها را در ایران تحت فشار قرار میدهد و دهها و مدها آثار زبان‌بخش فردی و خانوادگی و اجتماعی بوجود می‌آورد که همه ما شاهد آن بوده و هستیم و هرگز هم به فکر درمان آن نبوده و نیستیم و چه وقت خواهیم شد آشکار نیست!



شرکت سی اند سونز با مسئولیت محدود

«چیت سازوپران»

آماده هر نوع همکاری در زمینه :

چینی آلات و لوازم خانگی ، آهن آلات ساختمانی و صنعتی ، مواد غذایی و ادویه‌جات
انواع طایر و تیوپ

آدرس : تهران- خیابان بوذرجمهری ، سرای حافظ ، حیاط اول ، طبقه سوم ، پلاک ۱۲

تلفکس ۲۱۵۱۰۴

تلهگرافی : سی‌سونز کورپ

تلفن ۵۳۲۶۳۹

۵۲۸۸۱۴